جام جم

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران

WWW.JAMEJAMDAILY.IR

شنبه ۱۹ آبان ۱۳۹۷ | ۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۲۴۵ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Saturday - 2018 NOV 10

+ در «قاب کوچک» بخوانید

پرونده‌ای برای آثار خانوادگی در تلویزیون

چند نکته درباره مصادره‌های خلاقانه تهدیدهای آمریکایی به دست ایرانی‌ها

ایرانی‌ها CAPS LOCK ترامپ را خاموش کردند

۹

گزارش جام جم از دلایل واگذاری پروژه مسکن مهر به استانداری‌ها و تغییر سیاست دولت پس از ۵ سال توقف این پروژه

آیا مسکن مهر احیاء می‌شود؟

۳

فیلم «تاریک‌ترین ساعات» که پیش از این پیشنهاد تماشایش را به وزیر محترم خارجه داده بودیم بعد از پخش از تلویزیون با موجی از واکنش‌ها مواجه شد. اما این فیلم چه ارتباطی با نامه جمعی از هنرمندان در محکومیت تحریم‌های آمریکا دارد؟

حداقل از چرچیل یاد بگیرید

نمایی از فیلم «تاریک‌ترین ساعات»

۱

گفت‌وگو

گفت‌وگوی جام جم با کرباسچی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی

شورای شهر با مردم شفاف نیست

این دوره از شورای شهر تهران، فرصتی نزدیک به یک سال و نیم را از دست داده و از آغاز با وجود این‌که شعار آن شفافیت بوده اما بر این اساس عمل نکرده است.

از نظر من دولت اصلا تیم اقتصادی ندارد. چند نفر هستند که مسؤولیت‌هایی در بخش‌های اقتصادی دارند و تصور نمی‌کنم آنها خط مشی پیوسته اقتصادی داشته باشند.

آقای آخوندی در زمینه مسکن اقدامی انجام نداد و تنها حرفش را زد. کاری که می‌شد انجام داد این بود که در این باره جدی‌تر وارد عمل می‌شدیم. اما به هر حال پنج سال در مذمت طرح مسکن مهر صحبت کردند.

دولت عموما در آسیب‌شناسی شرایط موجود و نقایصی که وجود دارد موفق است اما در ارائه راه‌حل و اجرا دچار مشکل است.

۲

گفت‌وگو

در گفت‌وگوی جام جم با ستاره سینما و مجری این روزهای تلویزیون تشریح شد

پاسخ گلزار به ۵ سوال درباره برنده باش

چرا فکر می‌کنید قرار نیست سریال تلویزیونی بازی کنم؟ مگر حضور در تلویزیون چه اشکالی دارد؟ حتما اگر پیشنهاد چشمگیری داشته باشم، در تلویزیون حضور دوباره پیدا خواهم کرد.

من بدون دستمزد به تلویزیون نیامده‌ام و طبیعی است مبلغی دریافت کنم.

برای پاسخ به حاشیه‌ها به تلویزیون نیامده‌ام. هدفم از آمدن به تلویزیون این بوده که یک برنامه درخشان بسازیم و تا رسیدن به آن خیلی راه در پیش داریم.

تلویزیون باعث می‌شود با طیف وسیع‌تری از مخاطبان و مردم در ارتباط باشم و مهمان خانه‌هایشان بشوم. این اتفاق برایم بسیار لذتبخش است.

از زمانی که اجرای برنده باش را به‌عهده گرفتم، بناچار حجم مطالعه‌ام را دو برابر کرده‌ام.

۵

گفت‌وگوی جام جم با همسر شهید سید نورخدا موسوی که پس از ده سال جانبازی صددرصدی، ۴ روز پیش به شهادت رسید

«نورخدا» خاموش نمی‌شود

۱۸

گزارشی از وضعیت پرسپولیس، حریف ژاپنی‌اش و آماده‌سازی ورزشگاه آزادی قبل از فینال آسیا

پرسپولیس قهرمان میشه...

۴

یادداشت

از رویای فوکویاما تا آغاز سنت الهی زوال آمریکا

مهدی فضائلی

کارشناس ارشد رسانه

درک و تصدیق افول ابرقدرتی آمریکا پیامدهای مهمی دارد.

چنین تصدیقی چون در یک حوزه راهبردی است، آثار و نتایج آن نیز راهبردی خواهد بود.

دل کندن از رابطه با آمریکا، رفع یا کاهش نگرانی افراد مرعوب، فهم تحولات بین‌المللی و پیچ تاریخی که در آن واقع شده‌ایم و جدی شدن رویکرد به شرق از جمله پیامدهای درک قرار گرفتن آمریکا در سراشیبی منفی اقتدار است.

هر چند نگاه دقیق به صحنه تحولات بین‌المللی و بخصوص رفتار آمریکا این افول را آشکار می‌کند، ولی برای تبیین این واقعیت، مطالب زیر شایسته توجه است. قدرت یک کشور را در نسبت آن با توانایی عملی کردن سیاست‌هایش می‌توان سنجید. در اینجا به چند مورد مهم از سیاست‌های آمریکا که نه تنها عملی نشده، بلکه نقطه مقابل آن سیاست تقویت شده و تحقق یافته است، اشاره می‌کنم. از سیاست‌های غیر قابل تردید آمریکا، شکست انقلاب اسلامی ایران و تغییر نظام سیاسی آن بوده است. امروز انقلاب اسلامی در آستانه چهلمین سالگرد خود قرار دارد و نه تنها شکست نخورده، بلکه روز به روز قوی‌تر شده است تا جایی که جورج فریدمن، تحلیلگر برجسته آمریکایی معتقد است مشکل ما با ایران بر سر فعالیت هسته‌ای این کشور نیست، بلکه مشکل آن است که ایران نشان داده است نه فقط بدون حمایت آمریکا، بلکه در حال درگیری با آمریکا نیز می‌توان بزرگ‌ترین قدرت تکنولوژیک و نظامی منطقه بود. این پدیده ایران را به یک الگو برای کشورهای اسلامی تبدیل کرده است و بهار عربی (انقلاب‌های اسلامی منطقه) را در پی داشته است. از دیگر سیاست‌های غیرقابل انکار آمریکا، تغییر معادلات منطقه غرب آسیا و تقویت رژیم‌های همسو با خود در این منطقه بوده است. لبنان، سوریه، عراق و یمن اوج این سرمایه گذاری محسوب می‌شوند. سرمایه‌گذاری‌ای که به اعتراف ترامپ هفت تریلیون دلار خرج روی دست آمریکا گذاشته، ولی نتیجه آن به اعتراف ده‌ها نفر از سیاستمداران و تحلیلگران خود آمریکا کاملا معکوس بوده است. چند سال پیش نشریه فارین پالیسی- که از معتبرترین نشریات آمریکا در حوزه سیاست خارجی است- نیز در مطلبی به تأثیرات منفی دخالت‌های آمریکا در امور داخلی کشورها پرداخت و این‌گونه جمع بندی کرد: «دخالت ایالات متحده به جای از بین بردن آدم بدهایی که واشنگتن نگران آنها بوده و ایجاد دولتی بهتر، تنها موجب افزایش احساسات ضدآمریکایی و تقویت درگیری‌های نهفته داخلی شده است. کسانی که ما از آنها حمایت کردیم فاسد و غیرمؤثر شده‌اند و قادر به کسب قدرت یا حفظ آن نیستند. ما پس از صرف میلیون‌ها دلار و از بین رفتن تعداد زیادی نیرو به نقطه شروع خود (یا حتی بدتر) بر می‌گردیم.»

سومین و آخرین نمونه ای که در این یادداشت به آن می پردازم تلاش بی وقفه آمریکا برای جلوگیری از شکل گیری قدرت های رقیب بویژه در شرق جهان است. نتیجه همه تلاش‌های این به اصطلاح ابرقدرت آن شده است که بزرگ‌ترین و بیشترین قدرت های رقیب آمریکا درست در نقطه مقابل اراده این کشور در شرق جهان شکل گرفته یا در حال شکل گیری است. در این باره اعتراف برژینسکی، مشاور امنیت ملی کارتر، رئیس جمهور پیشین آمریکا و از استراتژیست های برجسته این کشور که در یک دوره نسبتا طولانی نقش تعیین کننده ای در تدوین سیاست خارجی واشنگتن داشت، بسیار گویاست. برژینسکی آوریل ۲۰۱۰ میلادی در یک سخنرانی در شورای روابط بین الملل در مونترال گفت: تاکنون جهان به‌طور نسبی تحت سیطره غرب بوده است، ولی این وضعیت دیگر نمی تواند تداوم یابد... منطقه اورآسیا محور قدرت ژئواستراتژیک جهان خواهد بود... این استراتژیست مشهور آمریکا فوریه ۲۰۱۳ نیز در یک سخنرانی در لهستان در اظهارات صریح تری هشدار داد: مرکز گرانش قدرت سیاسی در جهان در حال انتقال از غرب به شرق است. به فهرست ناتوانایی‌های آمریکا برای تحقق سیاست‌هایش اضافه کنید مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزافزون داخل آمریکا، افزایش نفرت مردم جهان از آمریکا و تضعیف بیش از پیش نظام‌های سیاسی وابسته به آمریکا در نقاط مختلف جهان. بنابراین افول ابرقدرتی آمریکا نه به عنوان یک نکته شعاری و برخاسته از هیجان، بلکه به عنوان واقعیتی انکار ناپذیر و مورد اذعان و اعتراف حتی صاحب نظران خود آمریکا، سال‌هاست آغاز شده است.

گویا آن زمان که فوکویاما رویای پایان تاریخ بودن لیبرال دموکراسی تحقق یافته در آمریکا را در سر می پروراند، در عالم واقع، سنت الهی زوال آمریکا آغاز شده بود! حال با توجه به این واقعیت، دولت و ملت بزرگ ایران باید بدون واهمه و با اعتماد به نفس بالا جایگاه خود را در آینده معادلات منطقه‌ای و جهانی تعیین و برای رسیدن به جایگاهی مناسب‌شان، ظرفیت و شایستگی‌هایش تلاش کند.

این واقعیت را هم لازم است بدانیم نظام بین الملل عرصه تنازع قدرت‌هاست. معنی این سخن آن است که نه تنها نباید منتظر گستراندن فرش قرمز پیش روی خود باشیم، بلکه برای رسیدن به جایگاه مورد انتظار و لایق خود، باید خود را مهیای مواجه شدن با چالش‌های بیشتری کنیم.

حداقل از چرچیل یاد بگیرید

گروه فرهنگ و هنر

به عبارت دقیق‌تر می‌شود یک ماه و هشت روز قبل که گزارشی رفتیم از فیلم «تاریک‌ترین ساعات» و به محمدجواد آقای ظریف پیشنهاد کردیم که به جای تشبیه رابطه ایران و آمریکا به فیلم «۵۰ قرار اول»، فیلم تاریک‌ترین ساعات را هم ببیند و دست و پایی که نخست‌وزیر وقت انگلیس در برابر هیتلر می‌زند تا از منافع کشور دفاع کند. نخست‌وزیر انگلیس در این فیلم که بین مذاکره با هیتلر یا تقابل علنی با نازی‌ها مانده در نهایت پناه به تصمیم مردم کشورش می‌برد و در مترو نظر آنها را درباره این موضوع جویا می‌شود: «نظرتان چیست که همین الان با آقای هیتلر وارد یک قرارداد صلح شویم؟ واکنش مردم جالب است: هرگز! هرگز! حتی اگر شده با دسته جارو با فاشیسم می‌جنگیم!» با مزه این‌که این فیلم پنجشنبه گذشته روی آنتن شبکه اول سیما رفت و حالا هم ملت تویت و استوری است که توی شبکه‌های اجتماعی پمپاژ می‌کنند که عجب این فیلم نعل به نعل وقایع امروز ما با آمریکایی‌هاست.

پمپئولجش گرفته!

«رهبر ایران و قاسم سلیمانی در حال ضربه زدن به منافع ایران هستند... باید این تصمیم گرفته شود که بهتر است مردم ایران غذا بخورند یا این‌که ثروت‌شان را در اختیار قاسم سلیمانی قرار دهند تا عامل مرگ و ویرانی شود.» اینها بخش‌هایی از مصاحبه ۵۳۳ ثانیه‌ای بی‌بی‌سی فارسی با مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ۵۵ ساله ایالات متحده است که با اضافه وزن و کراوت زردرنگ خود جلوی دوربین نشسته. فارغ‌التحصیل سال‌های دور دانشکده نظامی ارتش آمریکا و رئیس سال‌های نزدیک آژانس جاسوسی ایالات متحده به همراه دیگر رفقایش در کاخ سفید، دستش را گذاشته روی درجه تحریم‌ها و مدام آن را بیشتر می‌کند، نه برای آن‌که ایران درباره مسائل هسته‌ای خودش کوتاه بیاید، مساله این روزهایشان چند قدم جلوتر از مسائل هسته‌ای چند سال قبل است: «سلیمانی باید دست از ماجراجویی‌هایش بردارد!» بین خودمان باشد، اما انگار افسر سابق زرهی نیروی زمینی ارتش آمریکا از ژنرال سلیمانی دل پُری دارد! از نگاه او قاسم سلیمانی یک ماجراجوست؛ چرا؟ خدمت‌تان عرض می‌کنیم. سلیمانی به تعبیر آمریکایی‌ها دوره افتاده توی خاورمیانه؛ چرا دوره افتاده؟! برای آن‌که خط نبرد را از پشت مرزهای کشور، کیلومترها آن سوتر ببرد و بیخ گوش تکفیری‌ها و داعشی‌ها و دیگر دار و دسته‌های ریز و درشتی اردو بزند تا در منطقه ریشه ندوانند و رسوب‌شان توی ایران سرریز نشود که یک‌وقت دوباره حمله به مردم بی‌دفاع در قلب پایتخت یا وسط اهواز تکرار نشود و خون عده‌ای بی‌گناه، بریزد روی آسفالت خیابان! حالا این کار به تیریج قبای آمریکایی‌ها برخورده. حضرات که با پمپاژ بی‌امان دلارهای نفتی سعودی و در کف میدان، حریف سلیمانی و همکارانش نشده‌اند، حالا ایران را بسته‌اند به تحریم و فتیله فشار را بالا برده‌اند و از آن طرف هم دائم سر چوب می‌کنند که هدف ما حکومت ایران است نه مردم ایران. حالا این سوال که این وسط قاسم سلیمانی کدام طرف است و مردم ایران کدام طرف هستند و پمپئو کدام طرف، سوال غامضی است که جناب پمپئو احتمالا جوابی برایش نداشته باشد!

حاجی! نماز صبح بیدارمان کن!

این وسط هر قدر ملت با چرچیل بازی گردی اولدمن در تاریک‌ترین ساعات حال کرده‌اند، اما آن طرف قضیه تعدادی از سینماگران و هنرمندان ایرانی هم ترجیح دادند یک متن کلی بنویسند و اسمی از ترامپ نیاورند و با حفظ بی‌طرفی کامل تبرئه از سیاست و سیاستمدارانِ دو طرف، بگویند که ما اصولا فرهنگی هستیم و تن به سیاست نداده‌ایم و سیاستمداران می‌آیند و می‌روند و این وسط مردم هستند که از این تحریم‌ها ضربه می‌خورند: «خام اندیشانه است بپنداریم که نتیجه اعمال این تحریم‌ها دستیابی به حقوق شهروندی و حقوق بشر، بهره‌مندی از مواهب آزادی و بهبود شرایط زندگی برای ملت ایران است. ملت ایران، تنها تاوان این تحریم‌ها را خواهد داد. سیاست‌گذاران دیر یا زود می‌روند، اما فجایع حاصل از عملکرد غلط آنها جهانی را می‌سازد که ما و شما و فرزندان‌مان در طول تاریخ پیش رو، دست به گریبانِ کابوسِ آن خواهیم بود.» این را از ما نشنیده بگیرید، ولی تابناک خبر داد که بعضی از هنرمندان از امضای همین اعتراض نیم‌بند هم خودداری کرده‌اند که یک‌وقت یا ورگرین‌کارت و اقامت‌شان استاد نشود!

واقعیتش را بخواهید این نامه ما را یاد نامه‌ای انداخت که همین چند وقت قبل آیت‌ا... محقق داماد، رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم به پاپ فرانسیس، رهبر کاتولیک‌های جهان نوشته و از جناب پاپ درخواست کرده بود که ترامپ را نصیحت کند که به‌عنوان رئیس جمهور یک کشور بزرگ مسیحی، دست از دشمنی با ایرانی‌ها بردارد. می‌گویند پاپ بعد از خواندن نامه زنگ زده به ترامپ و او را نصیحت کرده و ترامپ هم بعد از شنیدن نصایح پاپ از او خواسته که برای نماز صبح، بیدارش کند! این را هم درگوشی می‌گوییم و بین خودمان بماند؛ جناب گری اولدمن که در همین فیلم در نقش چرچیل ظاهر شده در بخشی از فیلم و در پاسخ به یکی از سیاستمداران انگلیسی که خواهان مذاکره با هیتلر است جواب باحالی می‌دهد: «وقتی سرت تو دهن بَبره نمی‌تونی باهاش منطقی صحبت کنی!»

دربیل خوردن مجری بی‌بی‌سی

وسط این دعواها خبر رسید فیلم جدید هاتف علیمردانی به نام «کلمبوس» هم قرار است در ینگه دنیا روی پرده برود. حضرت هاتف برای اکران فیلم جدیدش در ایالات متحده به سر می‌برد. همین هم شد که بی‌بی‌سی فارسی رفت سراغش غافل از این‌که سرکنگبین انگلیسی‌شان صفرا خواهد فزود بدجور! علیمردانی برخلاف سینماگرانی که نامه بالا را منتشر کردند ترجیح داد حرفش را خیلی رک و راست و صریح و پوست‌کنده بزند فارغ از ملاحظات خیر گرین کارتی و ویزایی و اقامتی و این چیزها. هاتف آنقدر رو بازی کرد که مجری بی‌بی‌سی اول قضیه تصور می‌کرد او دارد به مسؤولان ایرانی بدوبیراه می‌گوید و فحش و فضیحت‌هایش این طرف را نشانه گرفته: «در راس این حکومت دروغگوترین آدم‌ها قرار گرفته.» حالا بگذریم بعد از اندک زمانی دو زاری‌اش افتاد که توپ و تشرهای علیمردانی مسؤولان آمریکایی را نشانه رفته: «این صحبت‌ها که تحریم‌های آمریکا، معیشت مردم را هدف قرار نداده، دروغ محض است... این روزها خواهد گذشت و ایران هم این روزها را پشت سر خواهد گذاشت اما ننگ آن بر دامن کسانی باقی خواهد ماند که از سال ۳۲ تا الان این بلاها را بر سر ملت ایران آوردند... امروز معیشت مردم سرزمین تحت تاثیر تصمیم رئیس جمهوری قرار گرفته که اشتباهاتی را انجام می‌دهد که در گذشته، بارها و بارها تکرار شده است.»

یادبگیریم

هاتف اینها را با شور و حرارت می‌گفت. اشتباهاتی که سال‌هاست آمریکایی‌ها دارند آن را تکرار می‌کنند. این حرف‌ها شباهت زیادی با دیالوگ‌های اولدمن داشت وقتی که خطاب به یکی از هموطنانش که خواهان گفت‌وگو با هیتلر بود با حرارت می‌گفت: «باید به چند دیکتاتور امتیاز بدهیم تا امثال تو کار یاد بگیرند!»